

مقایسه داستان حضرت نوح (ع) در تورات و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی

مهدی رضازاده قرآن^۱، سیروس شمیسا^۲، عبدالرضا مدرس زاده^۳، یونس حمامی لاله زار^۴

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان
^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان
^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان
^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

نویسنده مسئول: sohilrezazadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴

چکیده

داستان حضرت نوح (ع) موضوع مشترک دو متن مقدس تورات و قرآن است. نوح (ع) در تورات شخصیتی است که با وجود برخورداری از صداقت و کمال در دوره خویش، نبی نیست و برای همین قسمتی از محتوای داستان در تورات با آنچه که در قرآن بیان می‌شود متفاوت است. در قرآن نوح به عنوان پیامبری برگزیده و اولوالعزم معرفی می‌شود که تبشیر و انذار قوم مهم‌ترین دغدغه اوست و بنابراین نوع داستان بر مبنای پیراستگی و بی‌آلایشی او شکل می‌گیرد. ساخت کشتی، نزول توفان، همسر و فرزندان از موضوعات مشترک این داستان است که روایت توراتی و قرآنی آنها در بیان جزئیات اختلاف دارند. ادبیات فارسی، پیوندی عمیق با آموزه‌های قرآنی و اسلامی دارد و قصص انبیا در اشعار شاعران و متون نظم و نثر فارسی انعکاس یافته است. همسان‌انگاری و یا هم‌زمان‌پنداری برخی از پیامبران سامی با تعدادی از شخصیت‌های اسطوره‌ای ایرانی که پیش از ورود اسلام به ایران نیز در داستانها و متون ایرانی وجود داشته تجلی داستان نوح (ع) در ادبیات فارسی هم‌متاثر از روایت قرآنی است. جزئیات اندکی که در تورات ذکر شده و در قرآن به آن اشاره‌ای نشده، در ادبیات فارسی نیز بازتاب داشته است. این پژوهش با روش توصیفی و اسنادی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای به مقایسه این داستان مشترک در دو متن مقدس پرداخته و انعکاس داستان در ادبیات فارسی را با توجه به تأثیرپذیری مستقیم از طریق قرآن و یا توجه به برخی از مواردی که نشان می‌دهد کاتبان و ادبا از تورات برداشت کرده‌اند، مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه: تورات، قرآن، نوح (ع)، داستان نوح (ع)، ادبیات فارسی

مقدمه

بررسی و مقایسه روایت‌های مشترک متون مقدس ادیان آسمانی و دریافت نقاط اختلاف و اشتراک آنها راهی است برای رفع ابهامات احتمالی و کلیدی برای درک و فهم بهتر این متون. تورات و قرآن دو متن مذهبی مورد احترام ادیان یهود و اسلام‌اند. در قرآن ۱۸ بار به کتاب تورات اشاره شده و در آیه ۴۴ سوره مائده بر اهمیت این کتاب آسمانی به عنوان منبع نور و هدایت تأکید شده است. جدای از اشتراکات ریشه‌ای زبانی بین عبری و عربی یا همان زبان تورات و قرآن، این دو متن از لحاظ محتوایی، نیز شباهت‌هایی به هم دارند به گونه‌ای که برخی از قصص انبیا که در تورات بیان شده، با تفاوت‌هایی در قرآن تکرار شده‌اند؛ اگر چه در پاره‌ای از روایتها تفاوت در ساختار و جزئیات، چشمگیر است. پس از ورود اسلام به ایران، زبان و ادبیات فارسی به عنوان حامل میراثی غنی و کهن، با آغوشی باز پذیرای آموزه‌های اسلامی و قرآنی شد. نخستین ترجمه‌های فارسی قرآن گویای علاقمندی ادبا و حکمای ایرانی در بهره‌گیری از این منبع وحیانی است. اختلاط باورهای اسطوره‌ای ایرانیان با آموزه‌های دینی، آفرینش مجموعه‌هایی با عنوان قصص انبیا را رقم زد که در آنها بسیاری از پیامبران سامی مثل آدم، ابراهیم و سلیمان با کیومرث، زردشت و جمشید یکسان‌انگاشته شده و یا داستانهای اسطوره‌ای فریدون و سیاوش داراب و بسیار شبیه به سرگذشت ابراهیم و یوسف و موسی علیهم السلام است. داستانهای پیامبران عموماً از طریق قرآن به صورت مستقیم و البته با افزودن شاخ و برگ‌هایی در ادبیات فارسی تجلی یافتند. در برخی از روایتها جزئیات ذکر شده با متن تورات انطباق بیشتری دارد که این مسئله بیانگر آشنایی ایرانیان با متون عهد عتیق و به گونه‌ای برداشت داستانهای پیامبران از متن تورات و بازتاب آنها در ادبیات فارسی است. یکی از مهم‌ترین قصص تورات و قرآن داستان حضرت نوح (ع) است. شخصیتی که در تورات از او به صداقت و سلوک با خداوند یاد شده و نام او ۳۷ بار در سفر پیدایش

تکرار شده است.^۱ در قرآن پیامبری برگزیده و صاحب شریعتی آسمانی است که هفتاد و هفتمین سوره به نام اوست و ۴۳ بار نام او تکرار شده است.^۲ داستان نوح در تورات و قرآن با وجود اشتراکات، اختلاف‌هایی نیز با هم دارند. مقایسه این داستان مشترک با دو روایت توراتی و قرآنی و بررسی بازتاب داستان حضرت نوح (ع) در ادبیات فارسی موضوع این تحقیق است.

۱- داستان حضرت نوح (ع) در تورات

۱-۱ معرفی نوح (ع) در تورات

تورات (תּוֹרָה) کتاب مقدس و آسمانی یهودیان که نزد مسلمانان نیز تقدس دارد. در قرآن ۴ بار به صورت مستقیم (آل عمران/۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵) به نام این کتاب اشاره شده است. این کتاب دارای ۵ جلد است که عبارتند از: ۱- کتاب برشیت یا آفرینش (בְּרֵאשִׁית)؛ کتاب آفرینش جهان ۲- کتاب شموت یا خروج (שְׁמוֹת)؛ کتاب خروج از مصر ۳- کتاب وایقرا یا لاویان (וַיִּקְרָא)؛ کتاب قوانین مربوط به کاهنان ۴- کتاب بیدبار یا اعداد (בְּמִדְבָּר)؛ کتاب سرشماری ۵- کتاب دواریم یا تشیبه (דְּבָרִים)؛ کتاب تکرار قوانین تورات. در تورات آمده که: «مُشֶׁה [موسی] تورا [تورات] را که میراث جماعت یعقوب [یعقوب] است برای ما نازل کرد». תּוֹרָה צְדָקָה - לְנוֹ מֹשֶׁה מִוְּרֶשֶׁת יְעֻקֹּב (تورات و هفتارا، ۲۰۰۷: ۳۱۷، کتاب دواریم، ۴/۳۳). نوح (נֹחַ) به معنی راحت (هاکس ۱۳۸۳: ۸۹۶) و در زبان عبری به معنای استراحت و آسایش (تورات و هفتارا، ۲۰۰۷: ۷)، فرزند لَمֶךְ (لَمَخ) و نهمین نسل بشر است. تورات درباره علت آفرینش نوح معتقد است که پس از ازدیاد نسل انسان و افزایش شرارتها، خداوند از خلقت بشر پشیمان شد و خواست انسان و هر آنچه روی زمین بود را محو سازد؛ در عین حال نوح که نماد استراحت و آسایش بود را خلق نموده و فرمود: «این (فرزند) ما را از عمل و رنج دستمان که به سبب زمینی است که خدا لعنتش کرد، نسلی خواهد بخشید». וְהָיָה בְנֵי יִמְנוּ מִמֵּעַשְׂנוּ וּמִעֲצָבוֹ יִדְּבֹר מִן - הַצְדָקָה אֲשֶׁר אֲרָרָה יְהוָה (تورات و هفتارا، ۲۰۰۷: ۷، کتاب پیدایش، ۳۳/۵) و سرانجام نوح در نظر خدا پسندیده آمد. וְנֹחַ מְצָא חֵן בְּעֵינֵי יְהוָה (همان، پیدایش، ۸/۶). نوح مردی عادل بود و در عصر خویش کامل و در حضور خداوند سلوک می‌فرمود. וְנֹחַ אִישׁ צַדִּיק תָּמִים הָיָה בְּדֹרֹתָיו אֵת - הָאֱלֹהִים הַתְהַלֵּךְ - נֹחַ (همان، ۹/۶). در تورات واژه צַדִּיק (صَدِيق) به معنی راستگو (اولین بار برای نوح به کار می‌رود و به واسطه راستگویی و صداقت است که مورد التفات خداوند قرار می‌گیرد. شرط دستیابی به کمال، صداقت است و برای همین پس از ذکر واژه צַדִּיק صَدִיק، کلمه תָּמִים یعنی کامل بیان می‌شود. در مزامیر، شرط حضور در خیمه خداوند בְּאֶהְלֵךְ و ساکن شدن در کوه مقدس او בְּהַר קְדְשׁוֹ، سلوک، عدالت و صداقت است. آن کس که بی عیب (کامل) سالک باشد و عدالت را به جا آورد و در دل خویش راستگو باشد הוֹלֵךְ תָּמִים וּפְעִיל צַדִּיק וְדָבַר אֱמֶת בְּלִבּוֹ (مزامیر، ۱۵/۲).

۱-۲ فرزندان نوح

نوح سه فرزند داشت به نامهای شِم، هَام و יָפֶת، حام پدر کِنَعَن، چِنَعَن بود. در تورات بیان شده که نوح شراب نوشید و مست شد و حام خبر مستی پدر و برهنه شدن و آشکار شدن شرمگاهش را به اطلاع دیگر برادران رساند و پس از هوشیاری نوح، پسر حام یعنی کِنَعَن^۳ بچِلَعَن مورد لعن پدر واقع شد. (پیدایش، ۲۷/۹ تا ۲۷/۲).

۱-۳ کشتی نوح

خداوند به نوح گفت که: «پایان (عمر) هر ذی حیاتی به حضورم فرا رسیده است؛ زیرا جهان به خاطر آنها از ظلم پر شده است و اینک من آنان را از جهان نابود می‌کنم. برای خود از چوبهای کاج کشتی بساز، در کشتی اتاقک‌ها بساز و آن را از درون و بیرون با قیر اندودکن». (پیدایش، ۱۳/۶ و ۱۴). در ادامه، نوح را از نزول طوفان و هلاک هر آنچه که بر روی زمین است آگاه می‌کند و از تثبیت عهد خود با نوح و نجات او و پسرانش و همسران و پسرانش و همه حیوانات و حشراتی که جفت جفت داخل کشتی هستند خبر می‌دهد. (همان، ۱۵/۶ - ۲۱).

^۱ (فصل ۵: آیات ۲۹، ۳۰، ۳۲ (بار)، فصل ۶: آیات ۹ (بار)، ۱۰، ۲۲، فصل ۷: آیات ۵، ۷، ۹ (بار)، ۱۱، ۱۳ (بار)، ۱۵، ۲۳، فصل ۸: آیات ۱، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸ و ۲۰، فصل ۹: آیات ۱، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، فصل ۱۰: آیات ۱ و ۳۲).

^۲ (نساء، ۱۶۳، اعراف، ۶۹، توبه، ۷۰، یونس، ۷۱، هود، ۳۲، ۳۶، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۸۹، ابراهیم، ۹، اسراء ۳ و ۱۷، مریم، ۵۸، حج، ۴۲، فرقان، ۳۷، شعرا، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۶، احزاب، ۷، صافات، ۷۵، ۷۹، ص، ۱۲، فاطر، ۵، غافر، ۳۱، ق، ۱۲، ذاریات، ۴۶، نجم، ۵۲، قمر، ۹، تحریم، ۱۰، نوح، ۲۱، ۲۶ و آل عمران، ۳۳، انعام، ۸۴، اعراف، ۵۹، هود، ۲۵، انبیاء، ۷۶، مومنون، ۲۳، عنکبوت، ۱۴، شوری، ۱۳، حدید، ۲۶).

^۳ در قاموس کتاب مقدس مقصود از کنعان، نه اولاد حام، بلکه خود حام است. (هاکس ۲۰۰۷: ۸۹۷)

۳- داستان حضرت نوح (ع) در قرآن

۳-۱ ویژگی‌های نوح

در قرآن خطاب به پیامبر اسلام (ص) بیان شده: بخوان بر ایشان حکایت نوح را (یونس/۷۱)، همانا خداوند [او را] بر جهانیان برگزید (آل عمران/۳۳). او بنده شکرگزاری بود (بنی اسرائیل/۱۷). و ما نوح را به رسالت سوی قومش فرستادیم (عنکبوت/۱۴ و نوح/۱). پس او از هزار سال، پنجاه سال کمتر در میانشان ماند (عنکبوت/۱۴). سلام بر نوح در میان جهانیان. (صافات/۷۹) به راستی او از بندگان مومن ما بود. (صافات/۸۱). در قرآن بر نبوت و رسالت نوح و عمر ۹۵۰ ساله او و شکرگزاریش تاکید شده است.

۳-۲ قوم نوح

قوم نوح، (جز معدودی) بی ایمان و بدکار و نافرمان بودند. اما جز اندکی با او ایمان نیاوردند (هود/۴۰). به راستی که ایشان قومی بدکار و نافرمان (ذاریات/۴۶) و ستمکار و سرکش بودند (نجم/۵۲) و پیامبران را تکذیب کردند (شعرا/۱۰۵).

۳-۳ انذار قوم نوح و پاسخ سران قوم

خداوند خطاب به نوح می‌فرماید: قومت را پیش از آنکه بر آنان عذاب دردناک فرا رسد بیم ده (نوح/۱). من برایتان بیم دهنده آشکارم (نوح/۲، هود/۲۵)، غیر از خدای یگانه کسی را مپرستید. من از عذاب روز دردناک بر شما بیمناکم (هود/۲۶). خدا را بپرستید و از او بترسید و مرا اطاعت کنید (نوح/۳). ای قوم خدای یگانه را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست. آیا پرهیزگار نمی‌شوید؟ (مومنون/۱۶، اعراف/۵۹). به راستی که من برایتان پیامبری امینم (شعرا/۱۰۷)، پس از خدا بترسید و از من اطاعت کنید (شعرا/۱۰۸). سران قوم خطاب به او گفتند که ما تو را بشری مثل خودمان می‌بینیم که جز فرومایگان ما آن هم نسجیده، کسی از تو پیروی نکرده و در شما هیچ مزیتی نسبت به خودمان نمی‌بینیم، بلکه دروغگویتان می‌پنداریم (هود/۲۷). و به سایر مردم گفتند: او جز بشری مانند خودتان نیست که می‌خواهد بر شما برتری یابد و اگر خدا می‌خواست فرشتگان را نازل می‌کرد. ما چنین چیزهایی را در میان پدران پیشین خود نشنیده‌ایم (مومنون/۲۴) او جز مردی دیوانه نیست (مومنون/۲۵).

۳-۴ اصرار نوح بر اصلاح قوم و انکار آنان

نوح همچنان بر انذار و تبشیر قوم خود اصرار می‌ورزید و بیان می‌کرد که در قبال تبلیغ رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم. (هود/۲۹، یونس/۷۲). در پاسخ می‌گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان پیرویت کرده‌اند؟ (شعرا/۱۱۱) سرانجام گفتند: ای نوح اگر دست برنداری، قطعا از سنگسار شدگان خواهی بود. (شعرا/۱۱۶) و او را دروغگو شمرده و گفتند: دیوانه‌ای است و دستخوش آسیب [جنیان] واقع شده. (قمر/۹).

۳-۵ نفرین نوح

نوح گفت: پروردگارا همانا قوم من مرا تکذیب کردند، (شعرا/۱۱۷) پس بین من و ایشان حکم فرما و مرا و هرکس از مومنان را که با من است نجات ده (شعرا/۱۱۸). پروردگارا من قومم را شب و روز دعوت کردم (نوح/۵) اما دعوتم جز بر رویگردانی و فرارشان نیفزود (نوح/۶). نوح گفت: پروردگارا، اینها بر من عصیان ورزیدند و از کسی پیروی نمودند که مال و فرزند جز بر زینانش نیفزود (نوح/۲۱) و بزرگترین مکر و حيله را به کار بردند (نوح/۲۲) و گفتند: خدایتان را وامگذارید و ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر را ترک مکنید (نوح/۲۳) و همانا بسیاری را گمراه کردند. تو ستمکاران را جز گمراهی میفزا (نوح/۲۴) من شکست خورده‌ام، پس انتقام بگیر (قمر/۱۰).

۳-۶ کشتی نوح

با وجود تلاشهای فراوان نوح و با توجه به عدم ایمان قومش، بر او وحی شد که: کشتی را بساز و درباره کسانی که ستم کردند سخن مگوی که آنها از غرق شدن خواهند (هود/۳۷). از هر گونه حیوان دوتا در کشتی سوار کن و نیز خاندانت را، مگر آن کس که پیشتر سخن [به هلاکتش] رفته است (مومنون/۲۷) پس آنگاه که تو و همراهانت در کشتی نشستنی بگو: پروردگارا مرا به منزلی مبارک فرود آر که تو بهترین فرود آوردگانی (مومنون/۲۹) نوح کشتی را می‌ساخت و قومش بر او می‌گذشتند و ریشخندش می‌کردند (هود/۳۸).

۷-۳ نزول طوفان

پس درهای آسمان را به سیلابی ریزان گشادیم. (قمر/۱۱) و در زمین چشمه ها جاری ساختیم، پس آب بر کاری که مقدر شده بود به هم پیوست (قمر/۱۲). آن کشتی آنها [نوح و یارانش] را در میان موجی چون کوه می برد و نوح پسرش را که در کناری بود ندا کرد که: «ای پسر جان، با ما سوار شو و با کافران مباش.» (هود/۴۲) گفت: «من سریعاً به کوهی پناه می برم که از آب نگاهم می دارد.» گفت: «امروز هیچ کس را از قهر خدا به جز لطفش نگهدارنده ای نیست.» و موج میانشان جدایی افکند، پس از غرق شدگان گشت. (هود/۴۳). پس او [نوح] و کسانی که با او در کشتی انباشته بودند نجات دادیم. (شعرا/۱۱۹) سپس آن ماندگان را غرق کردیم (شعرا/۱۲۰) که گروهی کوردل بودند (اعراف/۶۴). قرآن محل فرود آمدن کشتی را کوه "جودی" می داند. «و آب فرونشست و حکم انجام یافت و [کشتی] بر جودی قرار گرفت.» (هود/۴۴)

۸-۳ خاندان نوح

خدا بر کافران زن نوح و زن لوط را مثال آورده است... به آن دو زن گفته شد: همراه داخل شوندگان به آتش درآید. (تحریم/۱۰) او [نوح] و کسانی که از آن اندوه بزرگ نجات دادیم. (صافات/۷۶) و نسل او را باقی گذاشتیم. (صافات/۷۷) و در میان آیندگان [آوازه نیک] او را برجای گذاشتیم. (صافات/۷۸) به حقیقت یکی از پیروان او ابراهیم بود. (صافات/۸۳) ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان نوح نبوت و کتاب قرار دادیم، پس برخی از آنها هدایت یافتند و بسیاریشان از فرمان ما بیرون شدند. (حدید/۲۶) همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. (آل عمران/۳۳)

۹-۳ پیمان خدا با نوح

یاد کن آنگاه که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و از همه آنها پیمان محکم گرفتیم. (احزاب/۷) چرا؟ تا [خدا] راستگویان را از راستی شان بیبرد و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است. (احزاب/۸)

۴- مقایسه داستان نوح در تورات و قرآن

- ۱- در تورات اشاره ای به نبوت نوح نشده است.
- ۲- در تورات خدا به دلیل شرارت مردم اراده هلاکت آنان را می نماید، ولی در قرآن نوح پس از انداز و تبشیر فراوان و عدم توجه و ایمان نیابردن مردم، از پیشگاه خداوند برای آنان درخواست عذاب می کند.
- ۳- در تورات خداوند از خلقت انسان (با توجه به شرارتش)، پشیمان می شود و نه تنها تصمیم به نابودی انسان می گیرد بلکه قصد هلاکت جمیع بهایم و حشرات و هر آنچه روی زمین است را می نماید.
- ۴- در قرآن از انداز و تبشیر نوح و گفتگوی او با قومش سخن رفته ولی در تورات از این گفتگوها نشانی نیست.
- ۵- در تورات به نوح گفته می شود از چارپایان حلال گوشت، هفت جفت نر و ماده و از غیر حلال گوشتها هم از هر جفت دو نوع نر و ماده و از پرندگان آسمان نیز از هر نوع هفت جفت نر و ماده، برای سوار شدن در کشتی برگزین، ولی در قرآن فقط به ذکر یک جفت بسنده شده است.
- ۶- در تورات همسر نوح از نجات یافتگان است ولی در قرآن از غرق شدگان، همچنین در قرآن یکی از فرزندان نوح (اورا کنعان گفته اند) هم جزو غرق شدگان است.
- ۷- در روایت تورات کشتی نوح پس از توفان بر کوه «آرات» فرود می آید ولی در قرآن بر کوه «جودی».
- ۸- در تورات خداوند از نابودی جهان پشیمان شده و برای اینکه دوباره چنین نکنند، نشان عهدش (قوس رنگین کمان) را در ابر می گذارد.
- ۹- در تورات عمر نوح ۹۵۰ سال بیان شده ولی در قرآن این زمان برای بیان مدّت نبوت نوح است.
- ۱۰- در تورات از مست کردن نوح و کشف عورتش و ملعون شدن فرزندش به علت فاش کردن این موضوع نزد دیگران سخن به میان آمده ولی در قرآن نوح پیامبری با ایمان و نیکوکار معرفی شده است.
- ۱۱- محدوده توفان نوح در تورات کل جهان است ولی در قرآن محصور به محل زندگی او.
- ۱۲- در روایت توراتی به اعداد و ارقام اشاره شده ولی در نقل قرآنی چندان به اعداد و ارقام اشاره نشده است.

۵- بازتاب روایت توراتی نوح در ادبیات فارسی

اسم پدر نوح "لمک" بود و از این رو نوح به "پور لمک" نیز مشهور است. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۶۱) سنایی در حدیقه به اسم توراتی پدر نوح اشاره نموده:

باد عمرش چو عمر نوح لمک (سنایی، ۱۳۵۹: ۶۱۰) نام پدر نوح "لمخ" (לִמְחַ) و پدر بزرگش "متوشلح" (מְתוּשָׁלַח) را بلعمی با عنوان "لمک" و "متوشلح" آورده است. (بلعمی، ۱۳۸۵: ۷۴) آورده اند که نوح (ع) روزی به سگی برگذشت و بر زبان وی برفت که: «چه زشت است این سگ» تازیانه عقاب آمد که: «ای نوح می عیب کنی بر آفریده ما؟» نوح از سیاست این عتاب بگریست. روزگار دراز بر خود نوحه کرد تا نام وی نوح نهادند. وحی آمد که: «یانوح کم تنوح؟». (کشف الاسرار، ج ۴: ۳۸۴) نوع روایت از سنخ روایت تورات است زیرا در قرآن بر نیکوکاری و ایمان نوح به عنوان پیامبری اولوالعزم یاد شده و عقاب و عتاب او با بیان قرآنی سازگار نیست. درباره فرستادن کلاغ و سپس کبوتر برای بررسی اوضاع بیرون از کشتی در ایامی که نوح در کشتی بود، تفسیر سوراآبادی روایت تورات را با بیان اضافاتی نقل نموده و محل فرود آمدن کشتی را کوه جودی عنوان نموده و به برگرفتن برگ زیتون توسط کبوتر که عینا در تورات آمده، اشاره شده است. (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۳۲) در قصص الانبیاء فرستادن کبوتر و بررسی میزان آب اطراف کشتی بیان شده (نیشابوری، ۱۳۵۹: ۳۸) و در تاریخ بلعمی، فرستادن کلاغ و تعیین عمق آب توسط او و سپس فرستادن کبوتر نقل شده است. (بلعمی، ۱۳۸۵: ۹۶) در تفسیر سوراآبادی آمده است که: نوح از درخت انگور شاخه‌ای را با خود در کشتی نهاد و ابلیس آن شاخه را دزدید و از کشتی بیرون انداخت تا سه درخت شد. ابلیس گفت: «یا رز، تو بیا تا تو را در میان آدمیان برم تا تعهد یابی پیش از آنکه خشک شوی.» و آن وقت همه چیز به سخن آمد و شاخ رز گفت: «من از آب صبر نتوانم کرد.» ابلیس گفت: «هر گه که تو به آب درمانی، من تو را آب حیلت کنم.» ابلیس رز را در آفتاب گرم برد. رز گفت: «تشنه شدم، مرا آب ده، عهد به جای آر پیش از آنکه خشک شوم.» ابلیس آب پیدا نکرد و روباهی را کشت و خون او را به رز داد و برای همسن است که شارب خمر مثل روباه اهل چاپلوسی است. بار دیگر که رز اظهار تشنگی کرد، ابلیس شیر را کشت و خون شیر به او داد و برای همین است که شارب خمر وقتی اثر شراب در سر او می‌افتد کامکاری می‌کند. بار دیگر و هنگام تشنگی شاخ رز، خوکی را کشت و خون او را به رز داد، برای همین است که میخواره پس از شرب خمر مثل خوک بر زمین می‌افتد. شاخ رز را نزد نوح آورد، نوح گفت: «فرزندان مرا باید.» ابلیس گفت: «مرا در این حظی است.» و در اینجا تقسیم شراب رز بین ابلیس و نوح پیش آمد و با پادرمیانی جبرئیل، دو برخ را سهم ابلیس دانست و برای همین است که عصیر را چندان نباید جوشید که دو برخ آن برود و سه یک باقی حلال بود. (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۲۳) این داستان قابل مقایسه با روایت "تلمود" است. در روایت تلمود (میدراش تنحومانوح $\text{שְׁלֵשָׁה אֲנָבוֹת בְּהַ 13}$)، نوح تاکستانی را غرس می‌کند و شیطان در برابر او ظاهر شده و از نوح می‌خواهد تا او را در غرس تاکستان شریک کند. شیطان ابتدا گوسفندی را پای درخت تاک ذبح می‌کند و سپس به ترتیب یک شیر و یک خوک و یک میمون را ذبح نموده و خونشان را در تاکستان جاری می‌کند. به این وسیله شیطان به نوح اشاره می‌کند که انسان پیش از نوشیدن شراب مثل گوسفند ساده و بی‌آزار و اگر به اعتدال بنوشد مثل شیر شجاع و دلیر و اگر زیاده روی کند مثل خوک پلید می‌شود و وقتی کامل مست شود، مثل میمون بر پا می‌خیزد و می‌رقصد و مسخره بازی در می‌آورد و سخنان زشت گفته و فحاشی می‌کند. (کهن، ۱۳۵۰: ۲۵۳) در سوراآبادی داستان نفرین نوح بر "حام" تا حدودی شبیه به روایت تورات است. با این تفاوت که پیدا شدن عورت نوح را در حال خفتن بیان کرده نه در حالت مستی (طبق نقل تورات) و علاوه بر حام، یافت هم به دلیل بی‌حرمتی به پدر مهجور شده و فرزندان او - یاجوج و ماجوج - مهجور باشند و تنها سام و فرزندانش برکت یافته و از نیکوکاران و پیغمبرانند. (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۳۲) داستان فرزندان نوح، سام و حام و یافت نیز که اسامی آنها در تورات آمده در اشعار فارسی نیز بازتاب داشته است. همچودو فرزند نوحند ای عجب روز همچون سام و تیره شب چو حام (ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۳۶۳) بی باک و بدخوی که ندانی به گاه خشم مر نوح را زسام و مر سام را زحام (همان، ۵۷) همچنین: ملک تو کشتی است و چرخ نوح کهنسال کش زشب و روز سام و حام بر آید (کزازی، ۱۳۸۰: ۱۷۶) گرد لوای سام بین موبک حام لشکری (همان، ۶۲۱) سام بر خیل حام پیروز است (همان، ۸۶۲) حامی تو به نفرین پدر گشته سیه روی (قائنی، ۱۳۳۶: ۲۵۹) طوفان که فرو شست جهانی، زجهان رفت می ده که در این دور چه نوح است و چه یافت (اصفی هروی، ۱۳۴۲: ۴۷)

۶- بازتاب روایت قرآنی نوح در ادبیات فارسی

علت نامیدن شدن نوح به این نام، گفته شده که نامش «سکن» بود و قومش از فرزندان قابیل که به علت دعای نوح، خداوند ایشان را غرق نمود و پس از این واقعه نوح پشیمان شد و بر ایشان بسیار نوحه کرد و بسیار گریست و بر اثر گریه بسیار و نوحه فراوان نوح نامیده شد. (کشف الاسرار، ج ۴: ۳۱۹) حق نهاده نام او از نوحه نوح (عطار، ۱۳۸۵: ۲۷۰) نوح در ادبیات فارسی، نماد صبر و بردباری است که می‌توان گفت این موضوع، ریشه در روایت قرآنی داستان دارد که در آن از طول نبوت نوح (که مستلزم صبر و پایداری یک رهبر دینی است) و اصرار او بر دعوت و نجات قومش که سالها طول کشید سخن به میان آمده است. گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان بلا بگردد و کام هزار ساله برآید (حافظ، ۱۳۷۱: ۲۱۹) داستان دعوت نوح و انکار قومش از مضامین پرکاربرد شعر فارسی است. نوح نهصد سال دعوت می‌نمود دم به دم انکار قومش می‌فزود (مولوی، ۱۳۷۱: دفتر ۶/ ص ۱۰۴۳) همچنین پرستیدن بت‌های پنج‌گانه (ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر) که روایتی قرآنی است و به شکل‌های گوناگون در ادب پارسی تجلی یافته. (تفسیر طبری، ج ۲/ ۴۰۲-۴۰۵ و عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۷۷). ساخت کشتی توسط نوح (ع) نیز در شعر و نثر فارسی بازتاب یافته و بر همین مبنا او را درودگر هم خوانده‌اند. «از میان پیغامبران دو کس درودگر بود: یکی نوح، دیگر زکریا.» (میبدی، ۱۳۳۹: ج ۴/ ۳۸)، یوسف نجار کیست نوح دروگر که بود تا زهنر دم زند بر در امکان او (کزازی، ۱۳۸۰: ۵۰۵). متأثر از روایت قرآنی، کنعان، همان پسر نوح است که از دعوت پدر سرباز زد و به کشتی وارد نشد و گفت: «اگر همه»

جهان طوفان خواهد گرفت، من بر سر بلندترین کوهی روم تا آب به من نرسد.» (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۳۱) لیک اندر چشم کنعان موی رست نوح و کشتی را بهشت و کوه جست (مولوی، ۱۳۷۱: دفتر ۶/۱۱۴۵) پناه خویش چو کنعان مکن به خیره جبل (سروش اصفهانی، ۱۳۴۰: ۴۰۵) همچنین همسر نوح نیز از کافران بود: با آنکه دعوت دو جهان می‌کنم چو نوح در خانه بی‌رواج بود مذهبم هنوز (نظیری نیشابوری، ۱۳۴۰: ۲۰۴). محل فرود آمدن کشتی نوح در متون ادب فارسی منطبق با روایت قرآنی کوه "جودی" است. «چنین گویند که حق تعالی به کوهها ندا کرد که: من نوح را بر شما فرود آم. همه کوهها سربرآوردند، جودی سر فرو کشید، گفت: من که باشم که مرا آن محل بود که ملک تعالی کشتی نوح را بر من فرود آورد؟ چون تواضع نمود، حق تعالی کشتی نوح را بدو فرود آورد.» (نیشابوری، ۱۳۵۹: ۳۸) نوح اگر بر جودی جودش نجستی التجا همچو کنعان نامدی هرگز برون از بحر آب (قآنی، ۱۳۳۶: ۵۷).

نتیجه گیری

- ۱- داستان نوح (ع) موضوع مشترک دو متن مقدس است که از ریشه زبانی مشترکی برخوردارند.
- ۲- نوح (ع) در قرآن پیامبری برگزیده است و در تورات انسانی پارسا، بر همین مبنا تفاوت‌هایی در نقل توراتی و قرآنی وجود داد.
- ۳- داستان در موضوعات کشتی و نزول توفان و خانواده مشترکند ولی در بیان همین موضوعات با هم اختلاف دارند.
- ۴- نوح در ادبیات فارسی مظهر صبر و استقامت است و این موضوع برگرفته از روایت قرآنی است.
- ۵- تجلی داستان نوح در ادبیات فارسی متأثر از روایت قرآنی است.
- ۶- در تعداد محدودی از منابع ادبیات فارسی روایت توراتی که با قرآن متفاوت است بازتاب داشته است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آصفی هروی (۱۳۴۲). دیوان آصفی هروی. مصحح هادی ارفع. تهران: طهوری.
- بلعمی، ابو علی محمد بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ بلعمی. به تصحیح محمد تقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات زوار.
- حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۷۱). دیوان حافظ. تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی. به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: انتشارات اساطیر.
- سانداز، ن. ک. (۱۳۸۳). حماسه گیلگمش. ترجمه دکتر محمد اسماعیل فلزی. تهران: انتشارات هیرمند.
- سروش اصفهانی (۱۳۴۰). دیوان سروش اصفهانی. مصحح محمد جعفر محجوب. تهران: امیر کبیر.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۵۹). مثنوی حدیقه الحقیه و شریعه الطریقه. مصحح مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). فرهنگ تلمیحات. تهران: میترا.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶). ترجمه تفسیر طبری. (ج ۲). به تصحیح حبیب یغمایی. تهران: انتشارات توس.
- عتیق نیشابوری، ابوبکر. (۱۳۷۰). قصص قرآن مجید. برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سور آبادی. به اهتمام دکتر یحیی مهدوی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۵). مصیبت نامه. تصحیح دکتر نورانی وصال. تهران: انتشارات زوار.
- قآنی، حکیم. (۱۳۳۶). دیوان حکیم قآنی. مصحح محمد جعفر محجوب. تهران: امیر کبیر.
- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۸۰). گزارش دشواریهای دیوان خاقانی. تهران: نشر مرکز.
- کهن، راب دکتر! (۱۳۵۰). گنجینه‌ای از تلمود. ترجمه از انگلیسی امیر فریدون گیلانی. ترجمه و تطبیق با متون عبری یهوشوع نتن الی. به اهتمام امیر حسین صدری پور. تهران: یهودا حی.
- مولوی، جلال الدین. (۱۳۷۱). مثنوی معنوی. به سعی و اهتمام رینولد الین نیکلسون. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- میبدی، ابوالفضل. (۱۳۳۱-۱۳۳۹). تفسیر کشف الاسرار و عده الابار. (ج ۴). به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ناصر خسرو (۱۳۵۳). دیوان ناصر خسرو. مصحح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: انتشارات دانشگاه.
- نظیری نیشابوری (۱۳۴۰). دیوان نظیری نیشابوری. مصحح مظاهر مصفا. تهران: امیر کبیر.
- نیشابوری، ابراهیم. (۱۳۵۹). قصص الانبیای نیشابوری. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هاکس، مستر. (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس. تهران: اساطیر.
- חזקוני, משה. (۱۳۸۳). مجموعه تورا و هفتارا با ترجمه فارسی. (۲۰۰۷ میلادی). لوس آنجلس: انجمن فرهنگی اوتصر هتواره (گنج دانش).